

## حقیقت غایی در آیین بودا

سیداکبر حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

آیین بودا، که در شرق آسیا جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد، دارای سه فرقه مهم و اصلی است. این فرقه‌ها با نام‌های مهایانه، تراودا و چرخ الماس یا لامایی شناخته می‌شوند.

از سوی دیگر، مباحث الهیات، مخصوصاً نگرش این عده به حقیقت غایی، موضوعی جذاب و جالب توجه است که باید با دقت بیشتری به آن توجه کرد. در این نوشتار، تلاش بر این است که نگرش این سه مکتب به امر الوهی و حقیقت غایی را بررسی کرده، الحادی بودن تراودا، و همه‌خدایی و یا شرک‌آمیز بودن مهایانه و چرخ الماس را نشان دهیم.

البته لازم به ذکر است که فرقه لامایی درحقیقت تقریری از فرقه مهایانه در این موضوع شمرده می‌شود.

کلید واژه‌ها: هیئتیانه، تراودا بودیسم، الحاد، همه‌خدایی، شرک، بودا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## مقدمه

در واکنش به وضعیتی که در اواخر دورهٔ ودایی برای آیین هندو به وجود آمد، حرکت‌های مختلفی انجام شد که می‌توان آنها را در دو دسته و دو طیف اصلاحی و انقلابی قرار داد. حرکت اصلاحی، حرکتی بود که در درون خود آیین انجام شد و کوشید نقاط ضعف آن را بر طرف کند. این نهضت که از گوشه‌نشینی گروهی از هندوها در جنگل‌ها آغاز شد، در نهایت، با انجام تغییراتی شگرف در عرصهٔ اعتقادات و نیز اعمال و شعایر آیین هندو، رویکردی درونی و عرفانی به این آیین داد.<sup>۱</sup> تدوین اوپانیشادها که شاهکار نوشتاری آیین هندو در این دوران است، هنوز هم در جهان، معنا و مفهومی خاص به این آیین داده است. اما حرکت‌های انقلابی، از اساس، این آیین را زیر سؤال برده و آئین‌های جدیدی پی‌ریختند. آیین‌های بودایی (۶۰۰-۵۰۰ سال پیش از میلاد) توسط بودا،<sup>۲</sup> و جینه<sup>۳</sup> (حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد) توسط مهاویره<sup>۳</sup> ثمرهٔ این حرکت‌های انقلابی‌اند.<sup>۴</sup> در این نوشتار، تلاش ما بر این است که با آشنایی اجمالی دربارهٔ آیین بودا، تا حدودی نظام الهیاتی این آیین را بررسی کنیم. پیش از هر بحثی، به زمینه‌های پیدایش بودیسم اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

## زمینه‌های پیدایش آیین بودا

«دین جینه، در میان آن دسته از ادیانی که توسط یک بنیان‌گذار خاص در هند به وجود آمده‌اند، قدیمی‌ترین آنها به حساب می‌آید. همچنین، این دین در خلال چند قرن متوالی، اولین کوشش سازمان‌یافته‌ای بود که زیر نظر یک رهبر قدرتمند مذهبی، سعی در رشد و ارتقای دین هندویی که قدیمی‌ترین دین خودجوش سرزمین هند به شمار می‌آمد، داشت. سنی‌ودو سال بعد از دین جین، دین بودایی به عنوان حرکت اصلاح‌گرایانهٔ دیگری سربرآورد. این هر دو دین، که از فروع و

مشتقات دین هندویی هستند، نسبت به آداب قربانی کردن حیوانات و تقسیم‌بندی طبقاتی نظام کاست در دین هندویی، نگرشی آزادمنشانه و مبتنی بر عدم خشونت و محبت داشته‌اند. لیکن نتیجه اصلی هر دو حرکت اصلاحی و اعتراض‌آمیز، در عوض اصلاح دین هندویی، ایجاد دو دین جدید بود.<sup>۵</sup> در یک تحلیل کامل‌تر، موارد ذیل از جمله اصلی‌ترین زمینه‌های به وجود آمدن آیین‌های انقلابی همچون بودیسم و جینه است:

۱. وداها، ملاک هندو بودن یا نبودن. نویسنده کتاب *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند* به این نکته اشاره می‌کند که «هندوان نظرات فلسفی خود را به دو گروه ناستیکه<sup>۶</sup> و استیکه<sup>۷</sup> تقسیم کرده‌اند. مراد از ناستیکه، اشاره به عقاید و آرایبی است که سندیت آسمانی وداها را نمی‌پذیرد؛ مانند آیین بودایی و کیش جین و چارواکا که غیرمشرع هستند؛ و غرض از استیکه، شش مکتب فلسفی برهمنی است که بدون چون‌وچرا، حقایق منزل وداها را قبول دارند و از شریعت برهمنی پیروی می‌کنند و موجودیت خود را قائم بر آن می‌دانند».<sup>۸</sup> براین اساس، افرادی که وداها را به منزله متون آسمانی لحاظ نمی‌کردند، از دین خارج و بدعت‌گذار معرفی می‌شدند و این مسأله، برای عده زیادی مشکل‌ساز شده بود.

۲. تأکید بسیار بر روی مناسک (قشری‌گری). در اواخر دوران ودایی و پیش از تدوین اوپانیسداها، به دلیل گسترش اعمال و مناسک دینی، و توجه مردم به انجام دقیق این مناسک و توجه کمتر به محتوا و بنیان‌های معنوی آیین هندو، نوعی قشری‌گرایی در این آیین به وجود آمد که موجب اعتراض و ایجاد آیین‌های اصلاح‌طلبانه و انقلابی شد. در کتاب *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، در این زمینه آمده است که «آیین قربانی، سرانجام کارش به افراط و تفریط کشید و آن‌چنان توسعه یافت که امور معنوی و فلسفی را تحت‌الشعاع خود قرار داد. قربانی اسب و غیره که در آن ایام، سالیان دراز به طول می‌انجامید، خزانه پادشاهان هندو را

تهی می‌ساخت و مانع گسترش فلسفه و اندیشه می‌شد؛ به طوری که واکنشی در این جهت ضروری می‌نمود...»<sup>۹</sup>

۳. حاکمیت مطلق براهمن‌ها. در این دوران، کنترل آیین به دست براهمن‌ها افتاده بود؛ یعنی، هندویسم به مرحله‌ای رسیده بود که حتی حق و ناحق را نیز براهمن‌ها مشخص می‌کردند تا جایی که می‌گفتند: هندو مساوی است با براهمن. زبان سانسکریت که زبان آیین هندو بود، در اختیار این طبقه قرار داشت و هر کس می‌خواست سانسکریت یاد بگیرد، باید جزو طبقه براهمن‌ها باشد و غیر از افراد این طبقه، کسی حق یادگرفتن این زبان را نداشت. این طبقه، تمام آیین‌ها را در انحصار خود داشتند و خود را مالک تمام وداها می‌دانستند و تنها راه بهره‌گیری از وداها، بهره‌گرفتن از براهمن‌ها معرفی می‌شد. در این دوران، حتی انجام مراسم‌های دینی، در اختیار و کنترل این گروه قرار داشت. از دیگر سو، قواعد طبقاتی اجازه نمی‌داد کسی از طبقه دیگر وارد طبقه براهمن‌ها شود. این مطلب برای سایر طبقات، به ویژه کشتریه‌ها<sup>۱۰</sup> (طبقه حاکمان و جنگاوران) گران می‌آمد؛ بنابراین، قوی‌ترین واکنش‌ها به این قضیه، در کشتریه‌ها دیده می‌شد. آیین جین و بودیسم، در همین بستر شکل گرفت.

### بودیسم<sup>۱۱</sup>

بودیسم، آیین منسوب به بوداست. بودا<sup>۱۲</sup> از جهت لغت شناختی، از زبان سانسکریت و پالی، به معنای «روشن‌شده»، ریشه گرفته است. در زمینه ادیان هندی، این واژه برای کسی به کار می‌رود که به بصیرت رسیده و مطالبی برای او با شعله‌ای که در درون اوست، آشکار شده است.<sup>۱۳</sup> البته گفتنی است که بودا یک لقب است، نه اسم خاص؛ بنابراین، به هر کسی که به این مرحله، یعنی مرحله روشن‌شدگی رسیده باشد، قابل اطلاق است. اکنون با توجه به این نکته، بودا، بنیان‌گذار بودیسم، در کودکی، «سیدارته»<sup>۱۴</sup> (کسی که به هدف نهایی‌اش رسیده)

و «گوتمه»<sup>۱۵</sup> (از اسامی پاکبازان کهن ودایی) نام داشت. بعد در سنین ۳۵ تا ۴۰ سالگی به «گوتمه شاکيامونی» (مرتاض قبیلۀ شاکیا) نام گرفت و سرانجام، به او لقب «بودا» دادند و وی را با این عنوان خواندند. تاریخ تولد او، ۵۶۳ و وفاتش<sup>۱۶</sup> در حدود ۴۸۳ پیش از میلاد رخ داده است. همان گونه که در آغاز اشاره کردیم، با توجه به آموزه‌های بودا، آیین بودیسم شکل گرفت که تا کنون، مریدان زیادی در گرداگرد جهان به دور خود گردآورده است.

در این نوشتار، آنچه مورد نظر ما قرار گرفته، نگرش این آیین به حقیقت غایی است و اینکه آیا بودیسم در این باره موضع گرفته است یا خیر. شایسته است با توجه به اختلاف دیدگاهی که میان نگرش‌ها و مکاتب بودایی درباره حقیقت غایی وجود دارد، نخست اشاره‌ای کوتاه به تنوع این آیین داشته باشیم و سپس، با دقت بیشتری، حقیقت غایی را بررسی کنیم.

#### تحولات مهم آیین بودا و شکل‌گیری فرقه‌های بودایی

پس از مرگ بودا، بنا به قول مشهور، در سال ۴۸۳ ق.م. بوداییان نخستین، اولین شورای آیین بودا را تشکیل دادند و با این کار درصدد برآمدند تا این آیین را از متلاشی شدن محفوظ دارند. در سال ۳۳۸ ق.م. دومین شورای بودایی نیز شکل گرفت و در آن شورا مقرر شد متون پالی (تری پیتاکه)، که آموزه‌های اصلی بودایی و متن مقدس این آیین است، تدوین شود. در سال ۲۴۷ ق.م. سومین شورای بودایی برپا شد. در این شورا، نخستین نشانه‌های اختلاف در آیین بودا به صورت رسمی آشکار شد و به دنبال آن، بین سال‌های ۲۰۰-۱۸۰ ق.م. مکتب مهاییانه<sup>۱۷</sup> (چرخ بزرگ) ظهور یافت. البته بین سال‌های ۲۰۰ ق.م. تا ۲۰۰ میلادی، تدوین *لوتوس سوترها* و سایر متون مهاییانه به درازا انجامید و مکتب مهاییانه افزون بر متون پالی، متون خاص خودش را یافت. در حدود ۷۰۰ م آیین بودا، به

ویژه با تقریری مبتنی بر نگرش مهاییانه، در سرزمین تبت راه یافت که با عنوان فرقه لامایی<sup>۱۸</sup> شهرت یافت.<sup>۱۹</sup>

با این توضیحات، روشن است که آیین بودا دارای سه فرقه مهم است: فرقه کهن (که اغلب، خود را تراواد ۲۱ معرفی می‌کنند)، مهاییانه بودیسم و لاماییسم. اکنون برای بررسی نگرش این فرقه‌های سه‌گانه بودایی به حقیقت غایی، ضروری است جداگانه به هر یک از آنها توجه کنیم و به ارزیابی موضوع را از منظر هر کدام بپردازیم. اما در همین فرصت، یادآور می‌شویم که به دلیل نزدیکی دو فرقه مهاییانه و لامایی، از بررسی مفصل فرقه لامایی پرهیز می‌کنیم.

### آیین کهن بودا

آیینی که خود بودا آورده است (آیین کهن بودا)، و فرقه هینه‌یانه<sup>۲۰</sup> (چرخ کوچک) و یا تراوادا<sup>۲۱</sup> بودیسم مدعی استمرار آن است و خود را ارتدکسی آن به شمار می‌آورد، سه رکن مهم و اساسی دارد که عبارت‌اند از:

۱. دُوکِه (زبان پالی)؛<sup>۲۲</sup> یعنی فرضیه رنج جهانی؛

۲. انیکه؛<sup>۲۳</sup> یعنی ناپایداری اشیا؛

۳. آاناتا؛<sup>۲۴</sup> یعنی عدم جوهر ثابت.<sup>۲۵</sup>

در این مجال با بررسی این سه اصل، دیدگاه این فرقه را درباره حقیقت غایی و خدا بررسی می‌کنیم.

### الف. فرضیه رنج جهانی

وقتی بودا پس از گذراندن دوران ریاضت و نیز رسیدن به مرتبه بودایی، به طریقی که مشهور است، وارد جمع پنج مرتاضی که با او به ریاضت مشغول بودند شد،<sup>۲۶</sup> فرضیه رنج جهانی را در ذیل چهار حقیقت شریف ارائه کرد:

۱. هرچه رنگ و بوی هستی به خود بگیرد، سرتاسر، رنج است (حقیقت رنج). این حقیقت، تمامی موجودات را در تمام سطوح در بر می‌گیرد. لازم به ذکر است که رنج‌ها سه نوع‌اند:

یک: رنج ذاتی؛ برخی امور، رنج ذاتی دارند؛ مانند: امور ناخوشایند، بیماری و مرگ و ... .

دو: رنج سببی؛ برخی از امور، رنج ذاتی ندارند، اما موجب رنج هستند؛ مانند اموال دنیا که تعلق و دل‌بستگی می‌آورند و به دنبال این تعلق و دل‌بستگی، از دست رفتن آنها، رنج‌آور است و در آدمی، دائماً هراس از دست دادن آنها وجود دارد. سه: رنج‌هایی که از منیت انسان و اینکه انسان برای خود اصالت و هویتی قایل است، برانگیخته می‌شوند. مثلاً شخص به خاطر دوست داشتن خود، از نوع رفتار دیگران با خود رنج می‌کشد.

به اعتقاد بودا، هرچه در دنیا تحقق دارد، زیر سایه این سه نوع رنج است و دنیا این سه را با خود به ارمغان می‌آورد.

۲. خاستگاه این رنج، تولد و پیدایش است. اگر انسان متولد نشود، رنج نمی‌کشد (خاستگاه رنج). به دیگر سخن، آدمی اگر پای در دایره هستی نگذارد، از این رنج‌ها رهاست و مشکلی بدان جهت، به او نمی‌رسد.

هر چیزی خاستگاهی دارد و خاستگاه رنج، تشنگی است؛ یعنی طلب و شهوت که مایل به اینجا و آنجا است. هر چیزی که در جهان عزیز و لذت‌آورست، تشنگی از آنجا پیدا می‌شود؛ خاستگاه رنج آنجا است.<sup>۲۷</sup>

۳. ایستادن گردونه مرگ و حیات باعث رهایی از رنج خواهد بود. به عبارت دیگر، برای فرونشاندن این رنج، لازم است که این چرخه تولد و مرگ‌های پی‌درپی و متوالی، متوقف شود (فرونشاندن رنج).

۴. راه رهایی از این رنج (راه فرو نشانیدن رنج)، هشت مرتبه دارد. این هشت مرتبه به هشت راه رهایی بودا مشهورند:

ای رهروان، از دمه‌های مشروط، راه هشت گانه جلیل را برترین دانسته‌اند؛ یعنی شناخت درست،<sup>۲۸</sup> اندیشه درست،<sup>۲۹</sup> گفتار درست،<sup>۳۰</sup> کردار درست،<sup>۳۱</sup> زیست درست،<sup>۳۲</sup> کوشش درست،<sup>۳۳</sup> آگاهی درست<sup>۳۴</sup> و یک‌دلی درست.<sup>۳۵</sup> آنان که به راه هشت گانه جلیل اعتماد دارند، و ثمره اعتماد به برترین، برترین است.<sup>۳۶</sup>

#### ب. ناپایداری اشیا

این عالم دائماً در حال تجدید و تغییر و عوض شدن است. مرگ و زندگی همیشه می‌آیند و می‌روند. در این عالم، هیچ جوهر ثابتی وجود ندارد. امور خوشایند، پایدار نیستند و دائماً، لحظه به لحظه در حال پدید آمدن‌اند؛ حتی اموری که گمان می‌رود ثابت‌اند، در یک جریان و سیلان بی‌پایان قرار دارند. می‌گویند در یک رودخانه نمی‌توان دوبار پا گذاشت. به اعتقاد بودا، آدمی باید به این حقیقت آگاه شود که اشیا عالم در معرض ناپایداری و ناپایدگی هستند:

ای رهروان، باید چنان زندگی کنید که نا پاکی را در تن ببینید؛ باید به یاد آورید دم و باز دم را در درون‌تان؛ باید چنان زندگی کنید که ناپایدگی را در توده‌ها ببینید...<sup>۳۷</sup>

به دیگر سخن، «در جهان مظاهر، هیچ لحظه ساکنی نمی‌توان یافت که در آن، امری به هستی بگراید و استقرار یابد و سکون اختیار کند؛ چه به مجرد اینکه این چیز را به مدد صورت و نامش درک کنیم، متوجه می‌شویم که آن چیز دیگر است و صورت دیگری یافته و خاصیت دیگری به دست آورده است. پس هر حادثه، حلقه‌ای ناپایدار در سلسله علل و اسباب است؛ بدان گونه که معلول علت پیشین بوده است، خود علت معلول پسین خواهد بود و این حلقه‌های پی‌درپی، زنجیر سلسله اسباب جهان‌اند و همین استمرار لحظات متوالی است که به اشیا



پیوستگی ظاهری می‌بخشد و چنین می‌نماید که جوهر ثابتی در پس مظاهر ایستاده و پدیده‌ها را به خود متصل کرده است.<sup>۳۸</sup>

نتیجه این اصل نکته مهمی است که در آیین بودای کهن و نیز تراودا بودیسم به وضوح شکل می‌گیرد و محوری‌ترین موضوع در الهیات بودایی می‌شود. این اصل، «عدم جوهر ثابت» است که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم.

#### ج. عدم جوهر ثابت

هندویسیسم، به ویژه هندویسیسم مبتنی بر اوپانیشادها، برای انسان یک وجود ثابت به نام «آتمن» قایل است و یک جوهر ثابت دیگر به نام «برهمن»، که فهم اتحاد این دو را مایه نجات از چرخه مرگ و زندگی برمی‌شمرد. اما در بودیسم کهن، انسان آن حقیقت ثابت (آتمن) را ندارد؛<sup>۳۹</sup> و از آنجا که آتمن که جلوه‌ای از برهمن است ثابت نیست، برهمن نیز ثابت نیست.<sup>۴۰</sup>

اکنون با توجه به این سه اصل و سه محور کلیدی در آیین بودای کهن که فرقه تراودا نیز بدان پایبند است، بحث خدا در این نگرش از بودیسم، شکل خاصی به خود می‌گیرد که در پی بدان اشاره می‌شود.

#### نتایج دیدگاه آیین کهن بودایی و تراودا درباره اعتقاد به وجود خدا

وقتی سه اصل یاد شده را به همراه مسئله نیروانگه کنار هم می‌گذاریم، متوجه می‌شویم که نظر آیین کهن بودایی درباره وجود یا عدم خدا مبهم است؛ به گونه‌ای که گروهی این رویکرد را یک رویکرد الحادی که قایل به وجود خدایی نیست، می‌دانند. با این تفاسیر، این نظر قوی‌تر به نظر می‌رسد؛ هرچند به این نکته نیز می‌توان اشاره کرد که شاید بودیسم تراودا و آیین کهن بودایی، چندان در مقام ارائه یک دیدگاه مثبت و یا منفی درباره خدا نبوده است. در نظر

این آیین، خدایان به منزلهٔ مبدأ آفرینش، اهمیت خاصی نداشتند. نویسندهٔ کتاب *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چنین نگرشی را در این ره ارائه می‌دهد:

بنا به این تیرهٔ آیین بودایی، همهٔ عناصر و واقعیت‌های جهان، گذرنده... و آنی و برق‌آسا هستند. جوهر ثابت و حقیقت جاویدی وجود ندارد و نه می‌توان در پس مظاهر یا در وجود انسان، خود یا حقیقت ثابتی یافت. اشیا متشکل از استمرار عناصر گذرنده و برق‌آسا و ناپایدارند که به مجرد اینکه پدید می‌آیند، فانی می‌شوند. شخصیت ثابتی که بیاندیشد و احساس کند، وجود ندارد و ما فقط با یک سلسله تفکرات و احساسات مواجه هستیم. جهان، به منزلهٔ صحنهٔ پیدایش و انهدام پدیده‌هایی چند است که گرد هم می‌آیند و با هم می‌آمیزند و علت و معلول یکدیگر واقع می‌شوند... هدف نهایی، رسیدن به نیروانه است و بحث دربارهٔ مبدأ و معاد و اصول جهان‌شناختی و غیره، بی‌فایده است.<sup>۴۱</sup>

### آیین مه‌ایانه

گروهی از بوداییان رویکرد خود را مه‌ایانه یا چرخ بزرگ نامیدند و منظورشان این بود که بودیسم مورد پذیرش آنها انسان‌های بیشتری را همراه خود به نیروانه می‌برد و از این رو، پیروان این مکتب، گروه دیگر و فرقهٔ دیگر را برای تحقیر، هینه‌یانه یعنی چرخ کوچک، خواندند؛ زیرا آدم‌های کمتری را با خود به رهایی می‌رساند. البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، پیروان مکتب چرخ کوچک خود را «تراوادا» می‌خوانند.<sup>۴۲</sup> چرخ بزرگ یا مه‌ایانه، نام‌های دیگری، از جمله «ذن» یا «ذن بودیسم» دارد که این نام را ژاپنی‌ها - زمانی که مه‌ایانه به ژاپن نفوذ کرد - به آن دادند. این دو فرقه، از جنبه‌هایی با یکدیگر متفاوت‌اند:

۱. هینه‌یانه ادعا می‌کند که حافظ و نگهدارندهٔ بودیسم کهن است.<sup>۴۳</sup> پیروان این مکتب می‌گویند: ما همان اندیشه‌های بودا را نگه داشته‌ایم و در آن، تفسیری نداریم و همان‌ها را به عنوان بودیسم ارائه کرده‌ایم. به اصطلاح، این عده در

مکتب بودیسم، اهل سنت‌اند و معتقدند راه رسیدن به رهایی، همان هشت راه یا هشت مرحله است و عدم جوهر ثابت را قبول دارند؛ اما مه‌ایانه، رنگ‌وبوی عرفانی و اسطوره‌ای به آموزه‌های بودا می‌دهد و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند.

۲. هینه‌یانه، بر آزادی شخص تأکید دارد و می‌گوید: هر کس باید خودش تلاش کند و به رهایی برسد<sup>۴۴</sup> و به سایر افراد کاری نداشته باشد که آیا به نیروان می‌رسند یا خیر؛ براین اساس، به مکتب آنها چرخ کوچک گویند؛ چون افراد کمتری را با خود به سوی نیروان می‌برد و هر شخصی تنها به نجات خویش می‌اندیشد. در سوی دیگر، مه‌ایانه می‌گوید: دیگران را هم باید با خود برد؛ بنابراین، به آن چرخ بزرگ می‌گویند؛ چون افراد بیشتری را همراه می‌برد.<sup>۴۵</sup>

۳. آثار هینه‌یانه به زبان پالی است؛ ولی آثار مه‌ایانه - هر چند آثار هینه‌یانه را نیز می‌پذیرد و آنها را معتبر می‌داند - به زبان سانسکریت است<sup>۴۶</sup> و این در زمانی بود که یادگیری زبان سانسکریت از انحصار راهبان هندو خارج شده بود و همه می‌توانستند به این زبان دسترسی پیدا کنند.

۴. تفاوت برداشت این دو گروه از بودا نیز وجه تمایز دیگری میان این دو فرقه است. هینه‌یانه، بودا را انسانی مثل سایر انسان‌ها می‌داند<sup>۴۷</sup> و الوهیتی برای او قایل نیست و راه نجات را در همان هشت مرحله برمی‌شمرد، نه متوسل شدن به بودا و امثال بودا. آنان می‌گویند: بودا یک انسان بیشتر نبود که زندگی کرد و به نیروان رسید؛ اما مه‌ایانه برای بودا جنبه‌ای اسطوره‌ای و الوهی قایل است و می‌گوید: با پرستش بودا و بوداهای دیگر، می‌توان مسیر نیروان را طی کرد و به نیروان رسید (که این عقیده، دربردارنده نوعی شرک است). به نظر آنان، برای رسیدن به نیروان باید نوعی ارتباط بین خود و بودا درست کرد تا بتوان به حقیقت رسید.<sup>۴۸</sup>

دیدگاه مهاییانه مردم را بیشتر به خود جذب کرد. همچنین، افسانه‌ای که برای زندگی بودا آورده شده، ساخته و پرداخته آیین مهاییانه است. در این فرصت ما بر آنیم که الهیات آیین مهاییانه را بررسی کرده، نگرش این فرقه را به خدا مورد نظر قرار دهیم.

#### خدا از دیدگاه مهاییانه

در این آیین، چیزی با نام «بودای نخستین»<sup>۴۹</sup> مطرح است<sup>۵۰</sup> که در نیروانه و روشنایی محض است. این بودا و امر الوهی، قائم به ذات<sup>۵۱</sup> است و در هستی، وابسته به موجود دیگری نیست. این بودای نخستین، شبیه برهمن هندوئیسم است. به نوعی، این بودا و این موجود الوهی، بی‌تشخص و غیرشخص‌وار بوده و بیشتر، شایسته عنوان هستی است. این بودای نخستین، به واسطه قوه متخیله و شهودی خود، بوداهایی را با عنوان «بوداهای تفکر و مراقبه»<sup>۵۲</sup> آفریده است<sup>۵۳</sup> که تعداد آنها را به پنج عدد می‌رسانند: «ویروچانه»<sup>۵۴</sup>، «آکشویا»<sup>۵۵</sup>، «راتناسامبوا»<sup>۵۶</sup>، «آمی تابه»<sup>۵۷</sup> و «آموگاسیدا»<sup>۵۸</sup>.

هر یک از این بوداهای تفکر و مراقبه، «بودی ستوه»های تفکر و مراقبه<sup>۵۹</sup> را برای آفرینش عالم و نیز هدایت آن می‌آفرینند که به ترتیب، عبارت‌اند از: «سامانتا بهدره»<sup>۶۰</sup>، «واجراپانی»<sup>۶۱</sup>، «ویشوا پانی»<sup>۶۲</sup> و «آوالوکیتا»<sup>۶۳</sup> که گویا، سه آفرینش پیشین از میان‌رفته است و اینک، عصر آفرینش آوالوکیتاست که بودای محافظ این آفرینش، آمی تابه است. البته هر یک از این بوداها برای هدایت بشر به نیروانه، بودایی را به عنوان رسول نازل می‌کنند که بودای «شاکیامونی» (بودایی که بنیان‌گذار آیین بوداست)، رسول این دوران است. افسانه قرار داشتن بودا در بهشت (توشیتا)، محل استقرار این بوداها و بودی ستوه‌ها، و انتخاب وی برای

فرود آمدن به زمین، بر اساس این رویکرد است و تفسیر خود را در این نگاه می‌یابد.

به این ترتیب، در الهیات آیین مه‌ایانه بودیسم، یک سلسله طولی از خدایان چیده شده است که در آغاز آن بودای نخستین قرار دارد و سپس، بودای تفکر و مراقبه آمی‌تابه و پس از آن، خدای آوالوکیتا و در پایان نیز بودا. اکنون، اندکی توضیح درباره این خدایان، خالی از لطف نیست.

### آمی‌تابه

آمی‌تابه که نامش از واژه‌ای سانسکریت گرفته شده است، در چین با عنوان «اومیتوفو»<sup>۶۴</sup> و در ژاپن با نام «آمیدا»<sup>۶۵</sup> و در کره «آمیتا»<sup>۶۶</sup> خوانده می‌شود.<sup>۶۷</sup> این بودای تفکر و مراقبه، که حیات نامحدود هم خوانده می‌شود بودای روشنایی و نور نامحدود است. او سوگند خورده است هر کسی را که از روی عقیده و ایمان او را بخواند، نجات داده و در تولد بعدی وی را در سرزمین پاک به دنیا خواهد آورد.<sup>۶۸</sup>

### آوالوکیتا

آوالوکیتا یا آوالوکیشورا،<sup>۶۹</sup> در زمره بودی‌ستوه‌ها و یا بوداهای بالقوه قرار گرفته است و این ویژگی را دارد که تا هنگامی که آخرین موجودات به نیروانه نرسند، او به مقام نیروانه نمی‌رود و پس از پایان یافتن مراحل نجات موجودات عالم، به این مقام رهسپار می‌شود؛ بدین سبب، او را خدای مهر و محبت نیز می‌نامند.<sup>۷۰</sup> این خدا در الهیات مه‌ایانه همانند الهه‌های حاصل‌خیزی سومر و مهنجودارو، به شدت مورد توجه بوده و جایگاهی بس ممتاز به خود گرفته است و در زندگی میلیون‌ها نفر به ویژه در شرق آسیا، حکومت و سلطنتی فراطبیعی و متعالی دارد. این خدا در چین با عنوان «کون‌ثین»<sup>۷۱</sup> و در ژاپن با نام «کوانون»<sup>۷۲</sup> شهرت دارد.

او را از جهت شکل و شمایل با چهار دست ترسیم می‌کنند که در هر دستش شاخه نیلوفری قرار دارد و بدین سبب، او را گاه «خدای نیلوفر به دست» می‌نامند. در نگرش تبتی مه‌ایانه بودیسم، یکی از مشهورترین و مقدس‌ترین اوراد و اذکار، یعنی ورد سحاری، از آن این خداست.<sup>۷۳</sup> در وصف ترحم و رحمت بی‌حد و حصر این خدا، سروده‌های بسیار زیادی در فضای مه‌ایانه وارد شده است که نشان از شأن ویژه وی دارد.<sup>۷۴</sup>

### خدایان در آیین مه‌ایانه

مه‌ایانه معتقد است چیزی به نام بودای نخستین هست که تقریباً نقش برهمن را در هندویسم دارد؛ البته با تفاوت‌هایی که به آنها اشاره‌ای کوتاه شد. تمام اشیای عالم، جلوه‌های اوست و هیچ چیز جدای از او نیست؛ بنابراین، قایل به «کالبد حق» برای بودا شدند؛ یعنی هیچ چیز جدای از او نیست. بودای نخستین با قوه تخلّق خود، پنج بودا را خلق کرد و در آنها تجلی کرد. این پنج بودا، بوداهای تفکر و مراقبه هستند که به ترتیب آفریده شده بودند. پس از این مرحله، بودی‌ستوه‌های زیادی خلق شدند؛ اما آنهایی که با آفرینش عالم ربط دارند، پنج بودا هستند که در متن بدانها اشاره شد. پنج بودایی که در آفرینش عالم دخالت دارند، هر یک، همانطور که در بالا آمد، یک بودی‌ستوه خلق می‌کنند که این بودی‌ستوه، آفریننده عالم مادی است. این بودی‌ستوه‌ها را بودی‌ستوه تفکر و مراقبه می‌گویند. در بین این بودی‌ستوه‌های هم‌عرض، آوالوکیتا برای راهنمایی مردم به نیروانه، بودی‌ستوه‌ای به نام «بودا شاکیامونی» خلق می‌کند. آوالوکیتا، تقریباً مشابه خدایان هندو شیوه و ویشنوست؛ یعنی تدبیر عالم مادی به دست اوست؛ خلق و اعدام نیز به دست اوست. ویژگی آوالوکیتا این است که صبر می‌کند تا تمام موجوداتی که آفریده است، به نیروانه برسند و بعد خودش وارد

نیروانه می‌شود. به او خدای رحمت و ترحم نیز می‌گویند؛ چون تمام آفریده‌هایش را از چرخه زندگی و مرگ خارج می‌کند و بعد، خودش از این چرخه خارج می‌شود. در کنار بودا شاکيامونی و آوالوکیتا، بودی‌ستوه‌های دیگری نیز هستند که به این عالم می‌آیند، زندگی می‌کنند و به نیروانه می‌رسند؛ ولی بودی‌ستوه‌های خالق و مرسل نیستند.

بنا بر آنچه که گذشت، نمی‌توان قایل به الحاد در مه‌ایانه شد. در یک نگاه خوش‌بینانه می‌توان گفت، نوعی خداپرستی و توحید از سنخ همه‌خدایی<sup>۷۵</sup> در آن وجود دارد؛ چون می‌گویند: تمام بودی‌ستوه‌ها تحت نظر و آفرینش یک بودی‌ستوه‌اند؛ ولی از سوی دیگر، چون این بودای نخستین تشخیص ندارد، تمام کارهای عالم در دست بوداهای تفکر و مراقبه است، براین اساس، نوعی شرک بارز و چندخداپرستی در این رویکرد، حاکم است. به ویژه اینکه در نگاه این عده، برای رسیدن به نیروانه و رهایی از چرخه مرگ و زندگی، توسل به این بوداها و بودی‌ستوه‌ها نیاز است و این، نوعی شرک در عبادت را آشکار می‌کند.

### نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت دو نکته کلی به دست می‌آید:

۱. بر آیین بودا، در رویکرد کهنش و نیز در شکل هینه‌یانه‌اش، رویکرد تقریباً الحادی حاکم است؛
۲. نگرش مه‌ایانه از آیین بودا به احتمالی بسیار قوی، رویکردی شرک‌آمیز به شمار می‌رود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۹۰-۹۲.
2. Jainism.
3. Mahavira, 599-527.B.C.
  ۴. ر.ک: رابرت ا. هیوم، *ادیان زنده جهان*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۷۹-۸۳.
  ۵. رابرت ا. هیوم، *ادیان زنده جهان*، ص ۷۹-۸۰.
6. Nāstika.
7. Āstika.
  ۸. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۲۰.
  ۹. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۸۶-۸۷.
10. Kshatriyas.
11. Buddhism.
12. Buddha.
13. James M. Kittelson, "Buddha", in: *The Encyclopedia of Religion*, ed. By: Mircea Eliade, Macmillan Publishing Company, New York, 1987, Vol.2, p.319.
14. Siddhārta.
15. Gautama.
16. Parinirvana.
17. Mahāyāna.



18. Lamaism.

۱۹. رک: ریچارد بوش و دیگران، *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۵۲.

- 20. Hīnayāna.
- 21. Theravāda.
- 22. Dukka.
- 23. Annicca.
- 24. Anatta.

۲۵. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۱۴۵.

۲۶. رک: رابرت ا. هیوم، *ادیان زنده جهان*، دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۱۰۸-۱۱۴.

۲۷. عسگر پاشائی، *بودا: گزارش کانون پالی: بودا، آئین*، ص ۲۶.

۲۸. این راه مقدس هشت گانه به زبان پالی عبارت است: - sammā ditthi

- 29. sammā sankappa.
- 30. sammā vācā.
- 31. sammā kammanta.
- 32. sammā ājīva.
- 33. sammā vājāma.
- 34. sammā sati.
- 35. sammā samādhi.

۳۶. چنین گوید او (ایتی و وتکه)، ترجمه ع. پاشایی، ص ۱۱۹.

۳۷. همان، ص ۱۱۱.

۳۸. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، پیشین، ص ۱۴۷.

۳۹. رک: ریچارد بوش و دیگران، *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۳۳۰-۳۳۱.

۴۰. رک: داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۴۱. رک: همان، ص ۱۷۰.

۴۲. رک: همان، ص ۱۶۹.

۴۳. رک: همان، ص ۱۶۹.

۴۴. رک: ریچارد بوش و دیگران، *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*، ص ۳۳۸.

۴۵. رک: داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۱۶۹.

۴۶. رک: همان، ص ۱۶۹.

۴۷. رک: رابرت ا. هیوم، *ادیان زنده جهان*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۱۱۴.

۴۸. رک: داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۱۷۱.

49. Ādibuddha.

50. See Geoffrey Parrinder, "Triads", Encyclopedia of Religion, ed by Mircea Eliade, Macmillan Publishing Company, New York, 1987, v. 15, p.44.

51. Svayambhū.

52. Dhyāni Buddha.

53. See Geoffrey Parrinder, "Triads", Encyclopedia of Religion, ed by Mircea Eliade, Macmillan Publishing Company, New York, 1987, v. 15, p. 42.

54. Vairochana.

55. Akṣobhya.

56. Ratnasambhava.

57. Amitābha.  
58. Amogasiddha.  
59. Dhyāni bodhisattva.  
60. Samantabhadra.  
61. Vajrapāni.  
62. Vis'vapāni.  
63. Avalokita.  
64. Omīto-fo.  
65. Amida.  
66. Amita.  
67. See :Erik Zurcher, "Amitabha ."In :The Encycopedia of Religion, ed By :Mircea Eliade, Macmillan Publishing Company, New York, 1987, v .1, p.235.  
۶۸. ریچارد بوش و دیگران، *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*، ص ۳۷۵.  
69. Avalokites'vara.  
۷۰. ریچارد بوش و دیگران، *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*، ص ۳۷۹.  
71. Kwan yin.  
72. Kwannon.  
73. Turrily V. Wylie, "Dalai Lama", in the Encyclopedia of religion, ed. by :Mircea Eliade, Macmillan Publishing Company, New York, 1987, v. 4, p. 200-201.  
۷۴. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ص ۱۸۱.  
75. Pantheism.



## منابع

- شایگان، داریوش. *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*. تهران امیرکبیر، چ چهارم، ۱۳۷۵.
- هیوم، رابرت ا. *ادیان زنده جهان*. ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- بوش، ریچارد، و دیگران. *ادیان در جهان امروز (جهان مذهبی)*. ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- پاشائی، عسگر. *بودا: گزارش کانون پالی: بودا، آئین، انجمن*. تهران، فیروزه، ۱۳۶۲.
- *چنین گوید او (ایتی و وتکه)*. ترجمه ع. پاشایی، قم، مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
- M. Kittelson، James، "Buddha،" *Encyclopedia of Religion*، ed by :Mircea Eliade، New York، Macmillan Publishing Company، 1987.
- Parrinder، Geoffrey، "Triads،" *Encyclopedia of Religion*، ed by :Mircea Eliade، New York، Macmillan Publishing Company، 1987.
- Zurcher، Erik، "Amitabha،" *The Encyclopedia of Religion*، ed، By Mircea Eliade، New York، Macmillan Publishing Company، 1987.
- Wylie، Turrily V، "Dalai Lama،" *The Encyclopedia of Religion*، ed .By :Mircea Eliade، New York، Macmillan Publishing Company، 1987.

